

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۱۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۹

نظریه «امانت» امام خمینی علیه السلام و چشم انداز انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت

اصغر افتخاری *

محمد نوروزی **

محمد مهدی ذوالفقارزاده ***

چکیده

چرایی رخ دادن انقلاب‌ها با رویکردهای گوناگون، موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده است که از این میان، رویکردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از بیش‌ترین اقبال برخوردار بوده‌اند. با این حال، انقلاب اسلامی ایران را با صرف استناد به نظریه‌های متعارف نمی‌توان تحلیل و فهم کرد. دلیل این امر نیز به وجود عناصر ارزشی و هویتی در نظریه و عمل انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که از ابتدای نهضت امام خمینی علیه السلام تا کنون، همچنان به حیات و تأثیر خود ادامه می‌دهند.

مقاله حاضر با عنایت به این پرسش مهم که «غایت اصلی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران چیست؟»، می‌کوشد تا مستند به اندیشه و عمل امام خمینی علیه السلام، برای آن پاسخی درخور بیابد. از این‌رو، پس از دسته‌بندی، بررسی و نقد رویکردها و نظریه‌های گوناگون مطرح شده در موضوع چرایی و چشم‌انداز انقلاب اسلامی، نظریه جدیدی ارائه شده است که

* دانشیار علوم سیاسی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام. (M.noruzi@isu.ac.ir)
*** دانشجوی دکتری رشته مدیریت، گرایش سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران، پردیس قم.

به نظر می‌رسد از جامعیت و قابلیت بیش‌تری در تفسیر و فهم‌غایت و چشم‌انداز انقلاب اسلامی مبتنی بر آرمان بنیان‌گذار آن برخوردار باشد. از این نظریه، با الهام از واژگان و ادبیات امام خمینی^{علیه‌السلام}، با عنوان «نظریهٔ امانت»، تعبیر شده است که در چارچوب اندیشهٔ متعالی مهدویت می‌گنجد. در پایان مقاله، با احصای گزاره‌های راهبردی و الزامات عملی این نظریه، شاخص‌ها و بایسته‌های قابل استخراج از آن برای چشم‌انداز جمهوری اسلامی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، مهدویت، امانت الهی، حکومت، امام خمینی^{علیه‌السلام}، چشم‌انداز، جمهوری اسلامی، ولایت فقیه.

مقدمه

انقلاب، رخدادی بزرگ و اثرگذار به شمار می‌آید، اما درباره جایگاه و ارزش راهبردی آن اتفاق نظر وجود ندارد. بدین معنا که «انقلاب» برای برخی صاحب‌نظران، در حکم «هدف» و برای بعضی به مثابه «ابزاری» کارآمد مطرح است که به واسطهٔ آن می‌توان به اهدافی عالی‌تر دست یافت. برای مثال، در حالی که پیروان ایدهٔ «جنبش و تحول‌گرایی»، خواهان بازتولید مستمر «تغییر» و تقویت ویژگی «پویایی جوامع» هستند، اندیشه‌گران گروه مقابل - یعنی باورمندان به اصل «نهادگرایی» - بر این اعتقادند که نمی‌توان - و نباید - تغییرات را مستمر و همیشگی تصور کرد و اقتضای رشد و بالندگی جوامع، وجود دوره‌هایی از ثبات از طریق «نهادسازی» است. (نک: شریعتی، ۱۳۶۰: ج ۲۰، ۱۰۲)

گذشته از میزان صحت و سقم هر یک از این دو منظر، این پرسش اهمیت دارد که انقلاب اسلامی ایران چه چشم‌اندازی را برای خود ترسیم کرده و مبنا قرار داده است؟ نوع پاسخ ارائه شده به این پرسش نشان می‌دهد که «غایت انقلاب اسلامی»، منحصر در تأسیس نهاد سیاسی است یا امری فراتر از آن به شمار می‌رود.

به منظور رسیدن به پاسخ، نخست، نظریه‌های موجود، طرح، بررسی و نقد می‌شود. سپس از رهگذر تحلیل نظام اندیشگی امام خمینی^{علیه‌السلام}، نظریهٔ «امانت» به عنوان نظریهٔ راهنما ارائه می‌گردد.

چارچوب مفهومی - نظری

مفاهیم و نظریه‌ها، سنگ بنای شناخت پدیده‌ها را شکل می‌دهند. به همین دلیل، در این قسمت، نخست، ارکان مفهومی و سپس مبانی نظری بحث شناخت انقلاب اسلامی را مرور و تحلیل می‌کنیم.

۱. مفاهیم

الف) چشم‌انداز

چشم‌انداز^۱ را آرمان اساسی سازمان می‌دانند که انگیزاننده است و برای رسیدن به آن باید به اهداف بلندمدت دست یافت و رویکرد اصلی اعضای سازمان، تحقق چشم‌انداز است. البته ممکن است در راه دستیابی به این امر، به اهداف بسیار بلند و مهمی نیز دست یابند، ولی چشم‌انداز، امری فراتر از این اهداف بلندمدت خواهد بود. گاه، این اهداف بلندمدت با چشم‌انداز خلط می‌شوند. تعاریف صورت گرفته از مفهوم چشم‌انداز را در چند دسته کلی زیر می‌توان بیان کرد: (مظلومی و محمدی‌نسب، ۱۳۸۵: ۲۰۵ - ۲۱۰)

الف) چشم‌انداز یا بصیرت، در لغت به معنای دانش و بینش، یا فهم معانی حقیقی وقایع و درک شهودی یا بخردانه تحولات در افق آینده است.

ب) چشم‌انداز، به معنای بینش و دوراندیشی مبتنی بر تصور و تجسم آینده است. به‌طور مشخص‌تر، چشم‌انداز در بافت رهبری و سازمان‌ها، یک حالت کلی، مطلوب و پسندیده سازمان در آینده تعریف شده است. چشم‌انداز باید با ترسیم منظری واقعی، معتبر و جذاب از آینده سازمان، شرایطی ایجاد کند که از چندین جهت، بهتر از وضع موجود باشد.

ج) چشم‌انداز، برداشتی ذهنی است که افراد از آینده دارند و موجب ایجاد اشتیاق در افراد برای دستیابی به اهداف می‌شوند. چشم‌انداز، فکر عملی، اعتباربخش و جذاب برای آینده سازمان است.

د) چشم‌انداز آرمانی، ترسیم آینده‌ای واقع‌گرایانه، تحقق‌پذیر و جذاب و انگیزشی است و مشخص‌کننده آن است که ما می‌خواهیم چگونه باشیم و به کجا برسیم. چشم‌انداز آرمانی، موتور محرک ما به سوی آینده است.

ه) چشم‌انداز، آمیزه‌ای از ارزش، دوری‌های مبتنی بر ایدئولوژی نظام و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه است. چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند که هرگاه در ذهن اعضای جامعه جای بگیرد، مسیر حرکت‌ها و دگرگونی‌های آن جامعه هموارتر می‌شود.

در مجموع، ترسیم چشم‌انداز، در چارچوب آینده‌نگری قابل درک است. به همین دلیل، چشم‌انداز را تصویری ذهنی تعریف کرده‌اند که به صورت کلی، منظری از آن در افق دور قابل رؤیت است. گروهی دیگر، چشم‌انداز را تصویری عینی در نظر گرفته‌اند و آن را قابل تجسم و کمیّت‌پذیر می‌دانند. همچنین چشم‌انداز را تصویر آینده، دورنما و منظر تعریف کرده‌اند که در پرتو آن، افراد و گروه‌های آگاه اجتماعی با درک بینش رهبران خردمند، در یک حرکت جمعی، کشور خویش را می‌سازند. (رضایی و مبینی، ۱۳۸۵: ۴۴)

1. Vision \ insight.

می‌توان گفت چشم‌انداز مطلوب علاوه بر شفافیت جهت و مقصد باید از قوت تجلی‌بخشی تصویری مثبت و روشن از وضعیت آینده برخوردار باشد. البته تصویر ترسیم شده باید نسبت به وضعیت کنونی، بهتر باشد تا زمینه تولید انرژی و برانگیزانندگی کافی را فراهم سازد. چشم‌انداز باید با ارزش‌ها، فرهنگ و تاریخ هر ملت سازگار بوده و چنان شفاف و اشتیاق‌بخش باشد که همگان آن را درک کنند. بلندپروازانه (ایده‌آل) و بلندنظر بودن یعنی قابلیت ایجاد چالش و تلاش برای رسیدن به کمال، یکی دیگر از ویژگی‌های چشم‌انداز مطلوب است. در نظر گرفتن شاخص‌های متعالی و ایده‌آل‌هایی برای عملکرد که زمینه ارزیابی حرکت به سوی دستیابی به آن‌ها را فراهم سازد، یکی دیگر از الزامات چشم‌انداز مناسب است چشم‌انداز مناسب باید قابلیت تبدیل شدن به اهداف کوچک‌تر را برای اجرایی شدن داشته باشد. چشم‌انداز مناسب باید با باورهای دینی، قلبی و اعتقادی افراد سازگار باشد که زمینه پذیرش ایمانی و عملی ایشان را در راستای حرکت به سمت تحقق بخشیدن به آن فراهم آورد.

ب) مأموریت

«مأموریت»،^۱ بیانگر جهت‌گیری‌های کلی سازمان است؛ یعنی برای رسیدن به چشم‌انداز سازمان باید هدف‌گذاری کرد و با رسیدن به این اهداف، در جهت تحقق چشم‌انداز حرکت کرد. اهداف کلی سازمان را مأموریت می‌نامند که بیان‌کننده ارزش‌ها و فلسفه وجودی سازمان است. به بیان دیگر، چون هر سازمانی دارای اهداف مشخصی است و برای تحقق آن اهداف تشکیل می‌شود، این اهداف را مأموریت‌ها یا هدف‌های بلندمدت آن سازمان می‌نامند. (رضاییان، ۱۳۸۳: ۲۰۵)

ج) ماهدویت

تفکر ماهدویت، نوعی از تفکرها و نگرش‌های معطوف به آینده و در حقیقت، رویکردی آینده‌نگرانه است. در این تفکر، گذشته، حال و آینده جهان، حرکتی مستمر، پویا، هدفمند و به سوی کمال ترسیم شده است که هیچ‌گونه اعوجاج، انحراف و ارتجاعی در آن نیست. در این تفکر، پایان جهان همچون آغاز آن در اختیار صالحان است و همان‌طور که خلقت انسان با آفرینش حضرت آدم علیه السلام صورت گرفت و مأموریت نهایی وی، استقرار عدالت بود، در پایان جهان نیز حکومت صالحان و استقرار عدل و قسط جزو ارکان اصلی این تفکر و البته نه هدف غایی آن برشمرده می‌شود. در تفکر ماهدویت، فرض اساسی آن است که حضرت امام علیه السلام پس از سال‌ها غیبت کبری و به اذن الهی ظهور می‌یابد و با تجلی قیام پربرکت خویش، جهان را از عدل و داد خواهد گسترده. (گودرزی، ۱۳۸۶: ۱۸۰)

در واقع، در تفکر ماهدویت، حرکت به سمت رشد و کمال و شکوفایی تمام استعدادها و خدادادی بشر بر روی زمین و حتی آشکار شدن برکات آسمان‌ها و زمین تا حد برپایی سرزمینی

1. Mission.

بهشتی به یمن وجود امام عصر علیه السلام بر روی زمین اهمیت داد. (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۹: ۶۷ - ۱۱۱)؛ گودرزی و ذوالفقارزاده، ۱۳۸۷: ۵۱ - ۵۶) بنابراین، در یک تعریف عام و شامل، هر نوع حرکتی در نظام هستی که به سمت رشد و کمال و انسانیت مبتنی بر قوانین و برنامه‌های الهی صورت گیرد، در تفکر مهدویت می‌گنجد.

د) انقلاب

در بحث از تحول انقلابی، تعریف اجزای تشکیل‌دهنده انقلاب، نخستین و شاید دشوارترین مسئله‌ای است که باید با آن روبه‌رو شویم. (کوهن، ۱۳۸۵: ۳۱) با توجه به دشواری تعریف واژه «انقلاب»، مفهوم آن را از دو دانش‌نامه علوم سیاسی نقل می‌کنیم.

«انقلاب، یک دگرگونی شدید در احوال یک ملت و کشور [است] که اوضاع کلی کشور به هم می‌ریزد و تغییر می‌کند. در انقلاب، اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... تماماً به هم خواهد خورد و اوضاع و نظمی جدید جای‌گزین این اوضاع خواهد شد. برخلاف عقاید پیشین و دید سنتی نسبت به انقلاب که معتقد است انقلاب، آنی و ناگهانی است، باید گفت هر انقلابی یک پشتوانهٔ تئوریک، ایدئولوژیک و فکری برای خود دارد.» (کللی، ۱۳۸۸: ۵۱)

«واژه «انقلاب»، بیانگر باوری است که نظام سیاسی و ساختار قدرت دولتی حاکم را با بهره‌گیری از روش‌های دگرگونی و تغییر سریع، عمیق و قهرآمیز اجتماعی می‌توان تغییر داد. انقلاب در گونهٔ افراطی خود، همچنان به مفهوم اندیشه‌ای است که خواستار دگرگونی و تغییر بنیادی در روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. جنبش‌ها یا حرکت‌های انقلابی، با جنبش‌های آشوب‌طلب که معمولاً دست به حرکت‌های انقلابی و انقلاب‌های با کودتای نظامی که اغلب در پی تغییر در دستگاه دولتی به شیوهٔ غیرقانونی و غیرمشروع و بدون حمایت وسیع اجتماعی و مردمی هستند، تفاوت دارد. افزون بر این، حرکت‌های انقلابی با رفرم و اصلاح‌طلبی که بیش‌تر درصدد انجام تغییرات به صورت گام به گام، قابل کنترل و در یک جریان قانونی است، متفاوت است.» (اغصان، ۱۳۸۴: ۳۵۷)

۲. مبادی نظری: چرایی انقلاب اسلامی

اگر بپذیریم که «چرایی انقلاب» بر شکل‌گیری «چشم‌انداز» و «غایت» آن تأثیر مستقیم دارد؛ از طریق شناخت علل می‌توان به نوع غایات انقلاب اسلامی نیز پی برد. از این منظر، سه رویکرد اصلی را می‌توان از یکدیگر تمیز داد:

الف) رویکرد «بخشی»

منظور از رویکرد بخشی، آن دسته از تحلیل‌هایی است که معتقدند انقلاب اسلامی، محصول غلبهٔ ملاحظات ناشی از یک بُعد خاص و برجسته‌سازی آن‌ها در تحولات اجتماعی ایران است. مهم‌ترین این دیدگاه‌ها عبارتند از:

یکم. دیدگاه فرهنگی - مذهبی: در این قبیل آثار به عوامل فرهنگی و مذهبی به عنوان عامل مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اشاره می‌شود. برای مثال، مذهب و فرهنگ تشیع را محوری می‌دانند. این دسته، مذهب را در سه بعد «مفهومی»، «ساختاری» و «رهبری» بررسی می‌کنند. در بعد «مفهومی»، ضدیت دائمی تشیع با ظلم و طرفداری از عدل؛ در بعد «ساختاری»، نقش روحانیت مساجد و نقش مراسم‌های اسلامی به ویژه مذهب تشیع مانند روزهای تاسوعا و عاشورا و عید فطر؛ و در بعد «رهبری»: رهبری امام خمینی علیه السلام را عامل اصلی وقوع انقلاب اسلامی می‌شمارند. در این دسته از نظرها، به نقش رهبری امام خمینی علیه السلام پرداخته می‌شود، ولی معیار اصلی علل وقوع انقلاب اسلامی، اندیشه‌های امام نیست و بیش‌تر به شخصیت معنوی و رهبری مقتدر ایشان اشاره می‌شود. حامد الگار، اسکاچپول و جیمز بیل دارای چنین دیدگاهی هستند. (نک: اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۳۹ - ۷۰؛ فوزی، ۱۳۸۴: ۴ - ۲۰)

دوم. دیدگاه جامعه‌شناختی: در این آثار، به «متغیرهای اجتماعی» مانند طبقه، قشر و نظام اجتماعی توجه شده است و این عوامل در شناخت علل وقوع انقلاب در درجه اول اهمیت قرار دارند. به علاوه، نوشته‌هایی که به تحلیل نقش «گروه‌های اجتماعی» مانند روحانیت، نقش روشن‌فکران، طبقه متوسط شهری، کارگران، دهقانان و... در دهه‌های پایانی رژیم محمدرضا شاه پرداخته‌اند، در این گروه جای می‌گیرند. (نک: فوزی، ۱۳۸۴: ۴ - ۲۰؛ ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۰۱ - ۱۲۰)

سوم. دیدگاه روان‌شناختی: در آثار روان‌شناختی، به نقش فرآیندهای ذهنی در آفرینش و پیشبرد وضعیت «انقلابی» توجه می‌شود. رویکرد روان‌شناختی، به روان‌شناسی فردی (مانند نقش روندهای شکل‌گیری افرادی مانند رهبران انقلابی یا سردمداران حکومتی در تبدیل شدن به رهبر انقلابی یا تسلیم شدن سریع و ایستادگی نکردن در مقابل حرکت انقلابی) و روان‌شناسی اجتماعی (مانند نقش افزایش انتظارات و توقع‌های مردم در وقوع انقلاب و شکاف بین انتظارات و دریافت‌ها و محرومیت نسبی) تقسیم می‌شود. دیویس و گر و زونیس ماروین از جمله افرادی هستند که در تحلیل علت انقلاب اسلامی ایران به این دیدگاه معتقدند. (نک: فوزی، ۱۳۸۴: ۴ - ۲۰؛ ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۱ - ۱۵۵)

چهارم. دیدگاه اقتصادی: در نوشته‌های اقتصادی، دیدگاه‌هایی قرار می‌گیرند که یا جامعه را به زیربنا (شیوه تولید اقتصادی) و روبنا (حقوقی، سیاسی، اجتماعی و...) تقسیم می‌کنند یا بدون این تقسیم‌بندی، نقش عوامل اقتصادی مانند تورم، ریخت و پاش، توزیع نابرابر ثروت و... را در وقوع انقلاب، جدی تلقی می‌کنند. از افرادی که به این دیدگاه معتقدند، به رابرت لونی و گروه‌های چپ‌گرا و مارکسیستی می‌توان اشاره کرد. (نک: ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۵۷ - ۱۷۵)

پنجم. دیدگاه سیاسی: در این نوشته‌ها، دیدگاه کسانی جای می‌گیرد که بر نقش عوامل و فرآیندهای سیاسی در وقوع انقلاب تأکید می‌کنند. بدین ترتیب، کسانی که استبداد را اصلی‌ترین علت وقوع انقلاب و هدف انقلابی‌ها را کسب قدرت می‌دانند، نه دستیابی به اجرای یک ایدئولوژی یا وقوع آن را زمانی می‌دانند که قدرت دولت دچار فروپاشی یا چنددستگی شده است، در این گروه قرار می‌گیرند. آبراهامیان، چارلز تیلی و میثاق پارسا، هوادار این دیدگاه هستند. (نک: فوزی، ۱۳۸۴: ۴ - ۲۰؛ ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۷۷ - ۱۹۱)

ششم. رویکرد ترکیبی: دسته‌ای دیگر از نوشته‌ها، به بیان دو یا چند علت اصلی پیدایش انقلاب اسلامی پرداخته و ریشه‌های اساسی وقوع انقلاب را ترکیبی از چند مورد ذکر کرده‌اند. اتفاقاً برخی از مشهورترین کتاب‌ها و نظریه‌های تحلیل انقلاب اسلامی، در این دسته جای دارند که به نظر افرادی همچون نیکی کدی، جرالدر گرین و جان فوران می‌توان اشاره کرد. (نک: اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۳۹ - ۷۰؛ فوزی، ۱۳۸۴: ۴ - ۲۰؛ ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۱۹۳ - ۲۲۶)

ب) رویکرد «عاملی»

در این رویکرد، مؤلفه‌هایی خاص با توجه به اندیشه و سخنان امام خمینی علیه السلام برجسته شده است که عامل اصلی انقلاب اسلامی معرفی می‌شوند. در این رویکرد، دو دسته دیدگاه جای می‌گیرند. (دهشیری، ۱۳۸۳: ۲۸۷ - ۳۰۱)

مهم‌ترین آثاری که در کنار نظریه خود، از سخنان حضرت امام خمینی علیه السلام نیز استفاده کرده‌اند، عبارتند از:

یکم. ایدئولوژی: منظور از ایدئولوژی، آرمانی مذهبی است که متناسب با شرایط سیاسی - اجتماعی تعیین یافته است. در آثار حامد الگار، آصف حسین، اولیویه رواق، رابین و ورس کارلسن و در درجه دوم، فرد هالیدی، تدا اسکاچیول و جان فوران به این مورد اشاره شده است.

دوم. وجود آگاهی جمعی: در آثار جرالدر گرین و جان فوران به این مورد اشاره شده است که مردم در پی آگاهی جمعی در مسیر انقلاب قرار گرفته و به قیام مسلحانه پرداخته‌اند.

سوم. خیزش اجتماعی: در نوشته‌های جرالدر گرین، نیکی کدی و مارک گازیوروسکی به این مورد اشاره شده است که همراهی همه گروه‌ها، خیزش جمعی را در مردم در پی آورده است.

چهارم. سیاست‌های ضداسلامی شاه: در نوشته‌های باری روبین به فعالیت‌های ضددینی رژیم توجه شده است.

پنجم. استکبارستیزی و مخالفت با امریکا: در نوشته‌های آصف حسین، گازیوروسکی، نیکی کدی و جان فوران استعمارستیزی و تلاش برای استقلال کشور تأکید شده است.

مهم‌ترین نظریه‌هایی که به بیان علل وقوع انقلاب اسلامی، با توجه به سخنان امام خمینی علیه السلام ولی بدون اولویت‌بندی آن‌ها پرداخته‌اند، عبارتند از:

یکم. استبداد رژیم پهلوی و سلب آزادی از مردم: امام خمینی علیه السلام در این زمینه بیان می‌دارند که اگر آزادی از ملتی سلب گردد و محیط اختناق ایجاد شود، زمینه قیام ایشان را برای براندازی حکومت ظلم و جور فراهم می‌آورد.^۱

دوم. حمایت شاه از اسرائیل: امام خمینی علیه السلام از آن به عنوان یکی از علل قیام مردم مسلمان علیه شاه یاد می‌کند.^۲

سوم. ماهیت طاغوتی رژیم شاهنشاهی: امام علیه السلام با اشاره به این مورد بیان کرده‌اند که طاغوت و باطل نابود می‌شود و مراعات نکردن مشی اسلامی سبب شده است که مردم، طاغوت را برنتابند و درصدد نابودی آن برآیند.^۳

چهارم. ترویج مفاسد توسط رژیم پهلوی: این مورد نیز از جمله مواردی است که در سخنان امام علیه السلام، از عوامل انقلاب شمرده شده است.^۴

پنجم. وابستگی رژیم به حکومت‌های استعمارگر بیگانه: حاکمیت یافتن حکومت‌های کفر از این طریق، از جمله عواملی است که امام خمینی علیه السلام برای پیدایش انقلاب اسلامی ذکر کرده است.^۵

۱. یکی از چیزهایی که موجب پیروزی شماها شد، همین زیادی ظلم و زیادی اختناق بود که این اختناق وقتی زیاد شد، انفجار از آن پیدا می‌شود، دنبال یک اختناق طولانی می‌شود و منتظرند که یک صدایی در آید. صدای اولی، فریادی در آید، دیگران دنبالش بروند. (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸، ۴۴۴) حکومت‌ها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بداندن وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد. (همو: ۸۷) ملت ما از آزادی محروم بود، کشور ما از استقلال صحیح محروم بود. ملت ما از این مظلالم به جان آمد و قیام کرد؛ یک قیام اسلامی بزرگ. (همو: ج ۶، ۲۱۹)

۲. یکی از علل قیام مردم مسلمان علیه شاه، حمایت بی‌دریغ او از اسرائیل غاصب است و شاه، نفت اسرائیل را تأمین می‌کند، ایران را بازار مصرف کالاهای اسرائیل کرده است و حمایت‌های معنوی دیگر. (همو: ج ۵، ۹۷)

۳. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام هر حکومتی که مشی اسلامی را در همه زمینه‌ها مراعات نکند و محتوای آن اسلامی نباشد، طاغوت است. (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۶، ۱۰۶) امام علیه السلام مفهوم حکومت طاغوت را در برابر حکومت عدل قرار می‌دهند و می‌فرمایند: ما امپدواریم که با پیوستن به هم بتوانیم این طاغوت‌ها را تا آخر از بین ببریم و به جای آن یک حکومت عدل اسلامی که مملکت ما برای خودمان باشد و همه چیزمان به دست خودمان باشد. (همو: ۱۰۱) این تحوولی که الان در کشور ما هست، همه‌اش روی این مقصد است که از اول، فریادشان بلند بود که ما اسلام را می‌خواهیم، طاغوت را نمی‌خواهیم. (همو: ج ۱۳، ۳۹۲) من اخطار می‌کنم به ملت ایران که هوشیار باشید و نگذارید این شیاطین رخنه کنند! این‌هایی که به اسلام اعتقاد ندارند، این‌هایی که به ایمان اعتقاد ندارند، این‌هایی که به خدا اعتقاد ندارند، می‌خواهند صفوف شما را در هم بشکنند و در صفوف توحیدی شما، انسانی شما، اسلامی شما رخنه بکنند و نگذارند به مقاصد خودمان برسیم. مقصد این است که اسلام، احکام اسلام - احکام جهانگیر اسلام - زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند، همه مستقل باشند. من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه ملت ایران و شما جوانان برومند [را] که با من مواجه هستید می‌خواهم. (همو: ج ۷، ۳۱)

۴. این فسادی که در ایران پیدا شده است، همه فسادها زیر سر رژیم شاهنشاهی بود. در تاریخ از اولی که رژیم شاهنشاهی پیدا شده است تا حالا که ما مشاهده می‌کنیم، هر چه مفسده بوده، رژیم شاهنشاهی این مفاسد را ایجاد کرده. (همو: ج ۳، ۴۹۰) این رژیم و این حکومت، حکومتی است که می‌خواهد جوان‌های ما را فاسد کند و این مراکز زیاد فحشا و هم اطراف و هم جوانب فحشا را رواج دادن برای این است که جوان‌ها را از دانشگاه‌ها بکشند به میخانه‌ها و به کارهای زشت و بد. (همو: ج ۴، ۵۱۳) انقلاب ایران در اثر مفاسدی است که در هیئت حاکمه وجود دارد و همچنین بر اثر کارهای مخالف عقل است که شاه انجام می‌دهد و خرابی‌هایی که با دست عمال شاه در سراسر مملکت انجام می‌گیرد. (همو: ۵۰۳) مراکز فحشا در این کشور این قدر زیاد بود که احصا نداشت. مراکز فساد این قدر بود که جوان‌های ما را به فساد کشاند... کاری کردند که ملت ما به جان آمد... و خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و قیام کردند. (همو: ج ۱۸، ۳۲۰)

۵. در عصر ما ملت یافت که شاه به واسطه پیوندی که با غرب خصوصاً با آمریکا دارد و همین‌طور با شرق، تمام مخازن ما را به باد داد، بلکه نیروهای انسانی ما را به هدر داده است و فهمیدند جنایات فوق‌العاده‌ای که مرتکب می‌شود، به واسطه پیوندی است که شاه با ابرقدرت‌ها دارد. از این جهت، ملت ما به پا خاست. (همو: ج ۵، ۴۰۵) [رژیم پهلوی] اقتصاد ما را به

ششم. جدایی از ملت و فاصله طبقاتی و فکری بین حکومت و ملت: یکی دیگر از عواملی است که در سخنان امام علیه السلام به عنوان عوامل پیدایش انقلاب اسلامی ذکر شده است.^۱

ج) رویکرد ارزشی

صاحبان این دسته از کتاب‌ها و نظریه‌ها که در بسیاری از موارد، از مبارزان و متفکران انقلاب اسلامی بوده‌اند، مبانی اسلامی را محور قرار داده‌اند. بنابراین، دلیل اصلی وقوع انقلاب را تلاش مردم و رهبران انقلاب برای حاکمیت دین اسلام قلمداد کرده و سیاست‌های اسلام‌زدایی شاه را دلیل جوش و خروش و قیام مردم دانسته‌اند. برخی از این آرا عبارتند از:

یکم. شهید مطهری در کتاب *پیرامون انقلاب اسلامی*، با این‌که به برخی دلایل دیگر از جمله استعمار، نفوذ لیبرالیسم غربی و مانند آن اشاره می‌کند، ولی در نهایت، چنین بیان می‌دارد: آن عامل تعیین‌کننده‌ای که همه عوامل دیگر را در بر گرفت و توانست همه طبقات را به‌طور هماهنگ در مسیر واحد منقلب بکند، جریحه‌دار شدن عواطف اسلامی این مردم بود. (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۱۲)

دوم. آیت‌الله عمید زنجانی، در بخشی از کتاب *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن* بیان می‌کند: اگر ما به جست‌وجوی علل و عواملی که خارج از ماهیت انقلاب اسلامی و آرمان‌ها و ریشه‌های تاریخی آن است، بپردازیم، تنها عاملی که به عنوان علت اصلی و عامل اول می‌توان از جریان انقلاب، از تولد تا پیروزی آن استنباط نمود، اعمال سیاست اسلام‌زدایی توسط شاه بود که ادامه رژیم خود را به منظور هرچه بیش‌تر جلب نمودن حمایت خارجی و تحکیم هرچه عمیق‌تر سلطنت و دیکتاتوری در داخل کشور در گروی آن دید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۵۷۲)

سوم. آیت‌الله مصباح یزدی نیز ضمن پرداختن به شاخصه‌های انقلاب اسلامی، چنین نتیجه می‌گیرد:

انقلاب اسلامی عبارت است از حرکتی بنیادین و تحولی اساسی در اوضاع و احوال سیاسی جامعه بر اساس آموزه‌های اسلامی به منظور جای‌گزین نمودن نظامی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی. اسلامی بودن، فصل‌میز انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌های جهان است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۹۸)

کلی به هم زد و همه چیز ایران را وابسته به اجانب کرد. همه چیز ایران به باد رفت و خسته شدند مردم. از این جهت قیام کردند و این نهضت را به پا داشتند. (همو: ج ۸، ۳۴۱) فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی زدند. شاه، استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است. مردم ایران را زیر شکنجه و سیاه‌چال‌های زندان کشته است. از تمام علما و خطبا برای گرفتن حقایق جلوگیری کرده است. تمام این‌ها موجب شده است که مردم مسلمان ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند. (همو: ج ۴، ۵۲۳)

۱. اگر پایگاه داشت این مرد (شاه) بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضای مردم، هرگز این قدرت به هم نمی‌خورد. (همو: ج ۷، ۵۱۲) فقط آن رده‌های بالای ارتش و قوای انتظامی باقی را دیگر به هیچ نمی‌گرفتند، نه ادارات و نه ارتش. آن رده‌های پایین، نه مردم و نه بازار و نه مسجد و نه روحانیت و نه دانشگاه هیچ یک را به حساب نمی‌آوردند. این‌ها چیزی نمی‌دانستند این‌ها را و بزرگ‌تر خطای این‌ها همین بود که ملت را چیزی نمی‌دانستند. ملت همه با هم شدند برای این‌که همه ناراضی بودند. (همو: ج ۱۱، ۴۵۸)

چهارم. اسدالله بادامچیان در کتاب خویش می‌نویسد:

انقلاب اسلامی ایران، ریشه اصلی خود را در مکتب اسلام خالص دارد و از آن‌جا تغذیه شده و رشد نموده و می‌نماید. برخی از کسانی که درباره ریشه انقلاب اسلامی ایران بحث کرده‌اند، زمینه‌های انقلاب را با ریشه‌ها اشتباه گرفته‌اند. (بادامچیان، ۱۳۶۹: ۱۷۸)

وی در ادامه بیان می‌دارد که ریشه اصلی انقلاب اسلامی ایران در آموزه‌های اسلام محمدی ﷺ است.

پنجم. منوچهر محمدی بیان می‌دارد که مذهب، مهم‌ترین و تنها عامل فرهنگی است که ایرانیان را در سراسر کشور به هم مرتبط می‌سازد و قدرت عظیم مردمی را فراهم می‌آورد. به نظر وی، هر حرکت و جنبش اجتماعی دیگری جدا از ارزش‌ها و معیارهای مذهبی برای تحقق اهداف سیاسی - اجتماعی نمی‌تواند با موفقیت همراه باشد. (محمدی، در: ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۸۱)

ششم. حشمت‌زاده نیز در کتاب چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، عوامل مختلف وقوع انقلاب اسلامی از جمله عوامل بشری و فوق بشری را بیان می‌کند، ولی در جمع‌بندی نهایی با اشاره به موارد دینی و مذهبی از جمله حادثه عاشورا و مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام، آن‌ها را زمینه‌ساز اجتماع مردم و آگاه شدن برای قیام علیه رژیم می‌شمارد. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۵۶)

هفتم. سید حمید روحانی در کتاب سه جلدی نهضت امام خمینی علیه السلام، ضمن بیان توصیفی و اسنادی حوادث و رویدادهای مرتبط با وقوع انقلاب اسلامی بیان می‌دارد که معمولاً هدف اقدامات رژیم شاه، از جمله لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، احیای کاپیتولاسیون و تبعید امام، اسلام‌زدایی بود. اقدامات مراجع نیز در جهت دفاع از اسلام ناب بود و همین امر مهم‌ترین عامل مبارزاتی به شمار می‌رفت. (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۷۵)

هشتم. شهید باهنر نیز زمانی که می‌خواهد درباره مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب بحث کند، بیان می‌دارد که تغییر نگرش مردم نسبت به دین و اسلام ناب سبب شد آنان در پناه رهبری امام خمینی علیه السلام به پیروزی دست یابند. شهید باهنر در بخشی از کتاب فرهنگ انقلاب اسلامی بیان می‌کند:

مردمی که سال‌های سال، بی‌تفاوت بودند و در برابر سرنوشت اجتماعی خود احساس مسئولیت نمی‌کردند و اسلام را فقط برای زوایای معابد و مساجد می‌دانستند و اسلام و دین را از سیاست جدا می‌پنداشتند... ناگهان اسلام را به گونه‌ای پیغمبرگونه آموختند و فراگرفتند و می‌دانستند که اسلام و دین از سیاست جدا نیست... در نتیجه، این فرهنگ تازه بر جامعه ما حاکم شد و روح اصیل اسلامی احیا گشت... همان فرهنگ اصیل اسلامی بار دیگر در جامعه ما زنده شد و این ملت را از ذلت بردگی و اسارت و ضعف و عقب‌ماندگی نجات داد و به عنوان یک ملت سربلند و مفتخر معرفی کرد. (باهنر، ۱۳۷۱: ۸۹ - ۹۱)

توضیحات	رویکرد	دسته‌بندی اولیه	محور بحث
مثلاً مذهب و فرهنگ تشیع را محوری می‌دانند.	فرهنگی - مذهبی	رویکرد برون‌نگر (و بخشی)	تبیین علل وقوع انقلاب اسلامی ایران در پژوهش‌های پیشین
متغیرهای اجتماعی در اولویتند.	جامعه‌شناختی		
به نقش فرآیندهای ذهنی در آفرینش و پیشبرد وضعیت «انقلابی» توجه می‌شود.	روان‌شناختی		
عوامل اقتصادی در محوریت قرار دارد.	اقتصادی		
به نقش عوامل و فرآیندهای سیاسی در وقوع انقلاب تاکید می‌شود.	سیاسی		
به چند مورد از موارد بالا اشاره می‌شود.	ترکیبی		
آثاری که در کنار نظریه‌های خود، از سخنان حضرت امام خمینی <small>علیه السلام</small> نیز استفاده کرده‌اند.	رویکرد عاملی	رویکرد درون‌نگر	
دیدگاه‌هایی که بدون طبقه‌بندی و اولویت خاصی، به سخنان حضرت امام <small>علیه السلام</small> دربارهٔ انگیزه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و به عبارت دیگر، با نگاه یکسان به انگیزه‌های مختلف اشاره کرده‌اند.			
در این دسته، حاکمیت اسلام و مقابله با سیاست‌های اسلام‌زدایی شاه را انگیزه اصلی انقلاب ذکر کرده‌اند. البته موارد دیگر را انگیزه‌های جانبی دانسته‌اند.			

جدول ۱: دسته‌بندی دیدگاه‌ها دربارهٔ علل انقلاب اسلامی

د) نقد و بررسی

حجم بزرگی از پژوهش‌ها و تحلیل‌ها دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، به گونه‌ای که اندیشمندان خارجی و داخلی در مدتی نسبتاً محدود، به کم‌تر انقلابی این‌گونه توجه کرده‌اند. با این‌که قرن بیستم را می‌توان قرن انقلاب‌های بزرگ نامید، ولی گویا انقلاب اسلامی ایران به دلیل شرایط خاص و ویژگی‌های منحصر به فردش، بیش‌تر از دیگر انقلاب‌ها توجه شده است. نو بودن انقلاب اسلامی و بی‌سابقه بودن وقوع چنین انقلابی در عصر حاضر و تصور صاحب‌نظران پدیدهٔ انقلاب مبنی بر اینکه انقلاب‌های جدید، پدیده‌هایی دنیوی هستند و وقوع انقلاب اسلامی در زمانی که اساساً ویژگی انقلاب‌ها، پیروی از مارکسیسم یا ناسیونالیسم چپ، لیبرال یا آمرانه بود، از دلایل مهم و قابل توجه رویکرد نویسندگان به تحلیل و بررسی انقلاب اسلامی ایران است. (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۵۴)

رویکردهای تک‌علتی مانند رویکرد مبتنی بر نظریه‌های جامعه‌شناسی یا رویکرد مبتنی بر دیدگاه‌های اقتصادی، در صورت بی‌توجهی به دیگر دیدگاه‌ها به ویژه تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی هر ملت، توانایی تبیین همه‌جانبه و جامع انقلاب را ندارند. مهم‌ترین ضعف آن‌ها نیز تک‌علتی دیدن وقایع در حوزهٔ علوم انسانی و ابهام موجود در روابط علی بین یک عامل و بروز انقلاب است که نمی‌تواند تبیین کاملی باشد. (فوزی، ۱۳۸۴: ۹)

باید دانست انقلاب‌ها زمانی رخ می‌دهند که مردم، گروه‌ها و به عبارت دیگر، توده‌ها مسیر جریان‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را بر خلاف دیدگاه‌ها، باورها، ارزش‌ها و مبانی خود می‌یابند. حتی ممکن است این باورها و ارزش‌ها در طول چندین قرن و در طول تاریخ، درون یک ملت، نهادینه شده باشد. زمانی که حکومت به مقابله، بی‌توجهی یا حتی نابودی این ارزش‌ها و خواسته‌ها دست می‌زند، توده‌ها و گروه‌ها درصدد براندازی حکومت و احیا یا حاکمیت باورها و ارزش‌هایشان برمی‌آیند.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا تنها توجه به کاستی‌های قدرت حاکم، برای تحلیل انگیزه‌های انقلاب‌ها کافی است یا باید نگاهی فراتر و کلان‌تر به یک انقلاب داشت؟ آیا تنها هدف بنیان‌گذاران و نخبگان هر انقلاب، رفع کاستی‌هاست و با برطرف کردن این کاستی‌ها، آرمان انقلاب‌ها تحقق می‌یابد؟ برای مثال، اگر نابرابری اقتصادی در جامعه، حاکم باشد و یکی از انگیزه‌های اصلی توده‌ها، حرکت برای ایجاد برابری اقتصادی و رفاهی باشد، آیا با تحقق این امر، آرمان آن انقلاب تمام شده است؟ پرسش دیگر این است که آیا عامل اصلی وقوع انقلاب، کاستی‌ها و اقدامات حکومت پیشین بوده یا نقش ارزش‌ها، باورها و عقاید بنیادین آن ملت، در این امر پررنگ‌تر است؟

به نظر می‌آید، که انقلاب اسلامی ایران به سبب بنیان‌های تاریخی و دینی خویش و رهبری الهی حضرت امام خمینی علیه السلام دارای رسالتی تاریخی و تمدنی است که با تحلیل‌های ظاهری و تنها با توجه به کاستی‌ها و ضعف‌های حکومت‌های پیشین نمی‌توان به عمق این حرکت پی برد. هرچند در بسیاری از موارد، فعالیت‌های ضددینی و مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حکومت پهلوی، تسریع‌کننده فعالیت‌های مبارزان انقلابی و افزایش انگیزه ایشان در جهت نابودی هرچه سریع‌تر این حکومت طاغوتی بود، ولی توجه به آرای بنیان‌گذار انقلاب اسلامی که جامعیت فکری و نگاهی الهی داشتند، می‌تواند نتایج دقیق‌تر و مهم‌تری از این امر ارائه کند.

همان‌گونه که ذکر شد، در برخی از تحلیل‌هایی که در مورد علل و انگیزه‌های انقلاب اسلامی صورت گرفته است، پژوهش‌گران به سخنان حضرت امام علیه السلام به صورت بخشی و بدون اولویت‌بندی پرداخته‌اند. عواملی که به عنوان انگیزه‌های پیدایش انقلاب اسلامی در این گونه تحلیل‌ها از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و با استناد به سخنان صریح ایشان ذکر شده، توصیفات ایشان از وضعیت پیش از انقلاب و مشکلات و ضعف‌های رژیم طاغوت است. به عبارت دیگر، با این بیان که نوعی بیان سلبی است، ایشان برخی ویژگی‌های یک جامعه آرمانی را شمرده‌اند که از این گونه ضعف‌ها و مشکلات تهی بوده و زمینه‌ساز حیات طیبه انسان‌ها باشد. بنابراین، طبیعی است که رفع این موانع را نمی‌توان تنها هدف غایی و چشم‌انداز متعالی انقلاب اسلامی در نظر گرفت؛ چون تا جای‌گزینی ایجابی در این زمینه مطرح نشود، سخن گفتن از غایت و چشم‌انداز،

بی‌معنی است. به همین دلیل، در دسته سوم نظریه‌های پیش‌گفته، با محور قرار دادن سخنان امام علیه السلام، حاکمیت اسلام به عنوان علت و انگیزه اصلی انقلاب اسلامی و با رنگ و بوی ایجابی مطرح می‌شود.

پرسش این‌جاست که جان‌مایه و هدف غایی از حاکمیت اسلام چیست؟ به دیگر سخن، مقصد ما پس از حاکمیت اسلام چیست؟ هدف امام از مطرح کردن حاکمیت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله به عنوان مهم‌ترین انگیزه انقلاب چه بود؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند ما را به سمت چشم‌انداز انقلاب اسلامی ایران رهنمون سازد. در واقع، حاکمیت اسلام و ارزش‌های اسلامی به نوعی در حکم مأموریت و رسالت^۱ انقلاب خواهد بود و باید با تدبیر بیش‌تر در آرا و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام به آن غایت اصلی پی ببریم که در حکم چشم‌انداز^۲ انقلاب اسلامی است.

نظریه امام علیه السلام نسبت به چشم‌انداز انقلاب اسلامی

در ادامه، ضمن تحلیل دیدگاه‌ها و سخنان امام خمینی علیه السلام، پیش و پس از انقلاب، به ترسیم چشم‌انداز انقلاب اسلامی از دیدگاه ایشان می‌پردازیم. پرداختن به سخنان ایشان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به این دلیل ضرورت دارد که به نظر عده‌ای از افراد، امام خمینی علیه السلام، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، افق خاصی برای آن در نظر نداشته و پس از پیروزی انقلاب، به بیان چشم‌انداز انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

۱. دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی؛ محوریت نظریه ولایت فقیه

با کاوشی در آثار، دیدگاه‌ها و سخنان امام خمینی علیه السلام، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به این نکته اساسی می‌توان دست یافت که حرکت ایشان بر مبنای یک تفکر ناب و بر اساس یکی از مهم‌ترین اصول دین مبین اسلام بوده است.

حرکت ایشان در راستای تحقق انقلاب اسلامی بر مبنای نظریه «ولایت فقیه» به عنوان نظریه حکومتی اسلام در عصر غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام شکل گرفت. امام علیه السلام این نظریه را در سال ۱۳۳۲ در کتاب *کشف الاسرار* مطرح و در سال ۱۳۴۸ به تفصیل در درس فقه ذیل مبحث بیع در نجف اشرف تبیین کردند. بر مبنای این نظریه که از مبنای اصیل اسلامی و از متن آیات و روایات برخاسته است، فقها به عنوان نایبان ائمه معصومین علیهم السلام در عصر غیبت، وظیفه اداره و هدایت امور سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی را بر عهده دارند و از این طریق، زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی علیه السلام و آماده‌سازی جامعه برای حرکت به سوی تحقق جامعه عدل مهدوی خواهند بود.

1. Mission.
2. Vision.

در نظریه امام خمینی علیه السلام، ولایت فقیه از یکسو، تضمین کننده اسلامی بودن نظام است و مانع انحراف آن از معیارهای اسلامی می‌شود و از سوی دیگر، تقوای فقیه و تقید او به احکام اسلامی، از پیدایش استبداد و دیکتاتوری جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، اگر قرار است که نظام سیاسی، محتوایی اسلامی به خود بگیرد، وجود فقیهی اسلام‌شناس در رأس آن الزامی است. همچنین از آنجا که به نظر امام خمینی علیه السلام، ریشه استبداد، ردیلت‌های نفسانی و بی‌تقوایی حاکمان است، تقوای درونی و تقید فقیه به احکام شریعت، او را از استبداد برحذر می‌دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۷۲)

طرح نظریه ولایت فقیه به دست امام خمینی علیه السلام و حرکت به سوی حاکمیت ولی فقیه در جامعه، بیانگر زمینه‌ای اجابتی عوامل پیدایش انقلاب اسلامی است. در واقع، حرکت امام علیه السلام، حرکت به سوی حاکمیت نظام اسلامی و زمینه‌سازی برای حاکمیت امام معصوم علیه السلام در جامعه بود. در این صورت، تهی شدن جامعه از آسیب‌ها و ضعف‌های ذکر شده در بخش‌های پیشین این نوشتار را می‌توان از نتایج این حاکمیت برشمرد که خود، زمینه‌ساز حیات طیبه بر مبنای مفاهیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است. ایشان در بخشی از کتاب ولایت فقیه چنین بیان می‌دارند:

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دو بیست سال بود؟ یا این که اسلام، تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند. و ما اگر کارهای آن‌ها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم. آیا باید این‌طور باشد؟ یا این که حکومت، لازم است و اگر خدا، شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب علیه السلام موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر با هم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند. (خمینی، ۱۳۸۰: ۵۰)

همان‌گونه که اشاره شد، دیدگاه امام علیه السلام نسبت به انقلاب اسلامی بر مبنای نظریه ولایت فقیه، یکی از حرکت‌های لازم برای تحقق حکومت موعود مهدوی علیه السلام بوده و حرکت ایشان در راستای زمینه‌سازی قیام جهانی آن حضرت صورت گرفته است. پس افقی که ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای این حرکت عظیم ترسیم می‌کنند، اتصال این انقلاب به انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام و گسترش حکومت حق در سراسر جهان است.

حضرت امام خمینی علیه السلام در ابتدا، این نظریه را برای نخبگان و اندیشمندان جامعه و طلاب حوزه‌های علمیه تبیین کردند. هرچند نسخه‌هایی از این کتاب را گروه‌های مبارز انقلابی در بین

مردم توزیع کردند، ولی زمینه تبیین دقیق‌تر این نظریه برای عموم مردم، چندان مساعد نبود. به همین دلیل، امام خمینی علیه السلام در دیگر سخنان خود، بیش‌تر به ضعف‌ها و کاستی‌های حکومت طاغوت اشاره دارند. البته ایشان همیشه به «اسلام» به عنوان هدف اصلی انقلاب اشاره می‌کردند.^۱

۲. دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ محوریت گفتمان مهدویت

امام علیه السلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن اشاره به دلایل قیام و هدف از انقلاب اسلامی، از نابسامانی‌ها، کاستی‌ها و مشکلات حکومت‌های گذشته به ویژه حکومت پهلوی یاد می‌کردند. همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، گاه پژوهش‌گران و تحلیل‌گران، این موارد را انگیزه‌های اصلی قیام ذکر کرده‌اند.

البته باید دانست نظریه ولایت فقیه، انگیزه اصلی حرکت امام علیه السلام بود. ولی فقیه که نایب امام عصر علیه السلام در دوران غیبت محسوب می‌شود، وظیفه دارد جامعه اسلامی را با توجه به مبانی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم اداره کند و زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام باشد. به عبارت دیگر، چشم‌انداز انقلاب اسلامی، تحقق جامعه عدل مهدوی است و انقلاب اسلامی و به دنبال آن، جمهوری اسلامی، تنها یک مرحله گذار برای تحقق جامعه موعود به شمار می‌رود که در حکم نقطه آغاز و افتتاحیه‌ای مهم برای حرکت به سمت برپایی ظهور تلقی می‌شود.

نکته قابل توجه این است که آن دسته از سخنان امام علیه السلام که با اشاره به مشکلات و کاستی‌های حکومت طاغوت، از عزم حکومت آینده برای برطرف کردن این کاستی‌ها و ضعف‌ها

۱. در این‌جا فقط به چند مورد از سخنان امام در این زمینه اشاره می‌کنیم که مربوط به پیش از پیروزی انقلاب است. علاقه‌مندان برای مطالعه موارد بیش‌تر، می‌توانند به جلد اول صحیفه امام مراجعه کنند.

– این‌جانب دست اخلاص خود را به سوی جمیع مسلمین، خصوصاً علمای اعلام و مراجع عظام – أطال الله بقائهم – دراز کرده و از عموم طبقات برای صیانت احکام اسلام و استقلال ممالک اسلامی استمداد می‌کنم. و اطمینان دارم با وحدت کلمه مسلمین، سیما علمای اعلام، صفو اجانب و مخالفین درهم شکسته، و هیچ‌گاه به فکر تجاوز به ممالک اسلامی نخواهند افتاد. ما تکلیف الهی خود را از ان شاء الله ادا خواهیم کرد؛ و به إحدى الحُسْنیین نائل خواهیم شد: یا قطع دست خائنین از حریم اسلام و قرآن کریم و یا جوار رحمت حق جل و علا اینی لا اری الموت إلا سعادة و لا الحیوة مع الظالمین إلا با برماً. (خمینی، ۱۳۸۵؛ ج ۱، ۱۸۳)

– هان ای روحانین اسلامی! ای علمای ربانی! ای دانشمندان دین‌دار! ای گویندگان آیین‌دوست! ای دین‌داران خداخواه! ای خداخواهان حق‌پرست! ای حق‌پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطن‌خواه! ای وطن‌خواهان با ناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده بپذیرید و ترک نفع‌های شخصی کرده تا به همه سعادت‌های دو جهان نایل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید. ان لله فی ایام دهر کم نفعات الا فتعرضوا لها! امروز روزی است که نسیم روحانی الهی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی، بهترین روز است. اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید، فرداست که مشتی هرزه‌گرد شهوتران بر شما چیره شوند و تمام آیین و شرف شما را دست‌خوش اغراض باطله خود کنند. امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید؟ (همو: ۲۳)

– واجب است بر همه و همه خطبا و مسلمین که مردم را مطلع کنند؛ زیرا اصل اسلام در خطر است. در اصل که اختلاف نیست؛ مگر فرعی است که اختلاف‌نظر داشته باشند؛ مگر یقین دارند که اسلام در خطر نیست؟ هیچ کس نباید صلاح را در سکوت بداند. نباید هیچ کس این فکر را بکند. (همو: ۲۷۵)

– هدف را باید در نظر داشت. هدف، اسلام است. (همو: ۲۶۷)

اعم از فساد اخلاقی، مشکلات اقتصادی، نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها حکایت می‌کنند، با این بیان که هدف انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام است، تناقضی ندارد. در جامعه موعود نیز همه چیز بر مبنای حق است و عدالت به معنای اتم و اکمل آن محقق خواهد شد. همچنین امام علیه السلام همیشه با ترسیم جامعه موعود، حکومت را یک «امانت» تلقی می‌کند که باید به صاحب اصلی آن یعنی امام عصر علیه السلام بازگردانده شود. در ادامه، با معرفی نظریه «امانت»، بیش‌تر به این بحث می‌پردازیم.

نظریه «امانت»

نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام به حکومت به عنوان امانتی بود که باید به صاحب اصلی آن تحویل داد و در راستای حفظ و تقویت آن کوشش کرد. فراوانی تعبیر ایشان در این مقوله، بسیار جالب توجه است. تعبیر حضرت امام علیه السلام از انقلاب اسلامی به عنوان امانتی که صاحب آن، حضرت حجت علیه السلام است، از این نکته حکایت دارد که ایشان، پرچم قیام ۱۵ خرداد را در فضای مهدویت و ظهور برافراشته‌اند، نه در مقابل آن. بی‌شک، منظور امام راحل علیه السلام از طرح امانت و صاحب امانت در مورد جمهوری اسلامی ایران، تبلیغ یا نمایش و تعارف سیاسی نبوده، بلکه ایشان قصد داشتند تا بدین وسیله، افق، راهبردها، برنامه‌ریزی‌ها و راهکارهای دینی - سیاسی این نظام و نیز میزان هم‌خوانی آن‌ها را با دولت کریمه مهدوی بیان کنند.

اکنون به برخی از سخنان ایشان می‌پردازیم که با صراحت به این مورد اشاره دارند:

- امیدوارم که ان‌شاءالله این روحیه اسلامی و توحیدی باقی باشد، این کشور را ما به صاحب اصلی او، امام زمان علیه السلام تحویل بدهیم و ملت را تسلیم ایشان بکنیم. (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۶، ۱۸۳)

- من امیدوارم که - این کشور با همین قدرت که تا این‌جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این‌جا رسانده است - باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام، تا صاحب اصلی ان‌شاءالله بیاید و ما و شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم. (همو: ج ۱۵، ۳۸۵)

- من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد که ما بتوانیم به این مقصدی که مقصد انبیاست، برسیم و ما - ان‌شاءالله - با هم باشیم و این قافله را با هم به منزل برسانیم و این امانت را به صاحب امانت رد کنیم. (همو: ج ۱۹، ۲۰۹)

سخنان صریح حضرت امام علیه السلام درباره قرار داشتن انقلاب اسلامی در راستای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام^۱ به این معناست که انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز آگاهی و خیزش عموم مردم و مسلمانان کل عالم در جهت حرکت به سمت تحقق جامعه ظهور است. تأکید ایشان بر این‌که

۱. برای نمونه، نک: خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸، ۴۷۴؛ ج ۱۵، ۶۲، ۱۳۰، ۲۸۲، ۳۴۵؛ ج ۲۱، ۳۲۷.

انقلاب اسلامی، انقلابی جهانی است و به کشور ایران منحصر نیست و ندای همهٔ مظلومان عالم است و صدور انقلاب، یکی از اولویت‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی است، بیان‌گر نوع نگاه امام علیه السلام به حکومت جهانی عدل یعنی همان حکومت حضرت حجت علیه السلام است. حتی ایشان به مسئولان جمهوری اسلامی تذکر می‌دهند که مبادا، رسیدگی به مسائل اقتصادی و رفاهی مردم، آنان را از هدف عالی انقلاب در این راستا باز دارد:

مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که برعهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در ادارهٔ هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند. مردم عزیز ایران که حقاً چهرهٔ منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفهٔ اساسی‌شان که نشر اسلام در جهان است، برسند. (همو: ج ۲۱، ۳۲۷)

۱. گزاره‌های راهبردی نظریهٔ «امانت»

از دیدگاه حضرت امام علیه السلام، انقلاب اسلامی، امانتی الهی است که برای تحقق هدفی والا تر یعنی تشکیل حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام شکل گرفته است. با توجه به سخنان ایشان، گزاره‌های راهبردی این نظریه را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

گزارهٔ ۱. امام زمان علیه السلام، صاحب اصلی انقلاب (قدرت سیاسی و نظریهٔ امانت)

حضرت امام علیه السلام، حضرت حجت علیه السلام را رهبر و صاحب اصلی این انقلاب معرفی می‌کنند.^۱ طرح رهبری حضرت امام زمان علیه السلام در جمهوری اسلامی ایران، بیان‌گر جهت‌گیری‌های قرآنی و ولایی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این نظام سیاسی نوظهور است. امام خمینی علیه السلام با این دیدگاه، راه آیندهٔ جمهوری اسلامی را روشن می‌سازد که همان وابستگی به بعثت و ولایت انسان کامل است. رهبر فقید انقلاب اسلامی در این باره، به مسئولان نظام هشدار می‌دهد که مبادا در نظام جمهوری اسلامی، خدشه‌ای در احکام اسلامی وارد شود؛ زیرا در آن صورت، چنین نظامی، مقبول حضرت ولی عصر علیه السلام نخواهد بود.^۲ ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند که وعدهٔ الهی نزدیک است و به زودی این انقلاب، به انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام متصل خواهد شد.^۳ اکنون به برخی سخنان ایشان در این زمینه می‌پردازیم:

۱. و این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور صاحب الزمان علیه السلام است، کشوری تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد. (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۴، ۳۰۹)

۲. آن‌ها استقلال می‌خواهند، آزادی می‌خواهند، جمهوری اسلامی می‌خواهند؛ جمهوری‌ای که باید اساسش بر احکام اسلامی باشد. جمهوری اسلامی باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام بپذیرد. اگر یک خدشه در احکام اسلام واقع بشود، نه پیغمبر می‌پذیرد و نه امامان ما. (همو: ج ۱۶، ۲۷۹)

۳. گویی وعده خداوند قادر نزدیک است و امید است این بارقهٔ برق آسا که در سراسر جهان پرتو افکنده و نوید فتح مبین می‌دهد، به حکومت مطلقهٔ منجی آخرالزمان و پناه مستضعفان متصل شود. (همو: ج ۱۹، ۴۷۷ و ۴۷۶)

پشتوانهٔ شما خدای تبارک و تعالی است و صاحب این مملکت، امام زمان سلام الله علیه است. (همو: ج ۱۵، ۱۹۳)

با اتکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور، امام زمان سلام الله علیه، این مقصد را به آخر برسانید و خواهد رسید. (همو: ج ۱۴، ۳۳۰)

من امیدوارم که - این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است - باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام، تا صاحب اصلی ان شاء الله بیاید و ما و شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم. (همو: ج ۱۵، ۳۸۵)

من امیدوارم که ان شاء الله [انقلاب را به] صاحب اصلی آن، امام زمان سلام الله علیه تحویل بدهیم. (همو: ج ۱۶، ۱۸۳)

خداوند همهٔ ما را از قیدهای نفسانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا لثراب مقدمه الفداء رد کنیم. (همو: ج ۱۸، ۴۷۲)

- من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد که ما بتوانیم به این مقصدی که مقصد انبیاست، برسیم و ما ان شاء الله با هم باشیم و این قافله را با هم به منزل برسانیم و این امانت را به صاحب امانت رد کنیم. (همو: ج ۱۹، ۲۰۹)

- در آن [مبارزه با ظالمین و...] سستی نشود تا وقتی که ان شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهند. (همو: ج ۲۱، ۴)

- این تحولی که در ایران هست، ان شاء الله باقی باشد و تا ظهور امام زمان، این ملت بتواند این کشور را به طور شایسته تحویل ایشان بدهد، ان شاء الله. (همو: ج ۱۶، ۳۲۳)

- من امیدوارم خداوند به برکات ائمه اطهار خصوصا حضرت صاحب سلام الله علیه که این مملکت مال اوست، توفیق بدهد که ملت کار خودش را پیش ببرد. (همو: ج ۲۰، ۴۷۳)

گزارهٔ ۲. تأسیس جمهوری اسلامی به مثابهٔ مقدمه و نه هدف (شأن ابزاری نظام سیاسی در نظریهٔ امانت)

امام علیه السلام، انقلاب ایران را مقدمه‌ای برای حکومت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌داند و از آن به عنوان نقطهٔ آغاز تعبیر می‌کنند. ایشان، بارها این نکته را متذکر می‌شوند که مبادا، مسیر انقلاب به انحراف رود و چنین تصویری پیش آید که انقلاب اسلامی به چشم‌انداز خویش دست یافته است. در این زمینه به سخنان ایشان می‌نگریم:

- امیدوارم که این انقلاب، جهانی شود و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام باشد. (همو: ج ۱۶، ۱۳۱)

- انقلاب مردم ایران، نقطهٔ شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت علیه السلام است. (همو: ج ۲۱، ۳۲۷)

- ان شاء الله اسلام را آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر علیه السلام. (همو: ج ۱۵، ۲۸۲)

– انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند بر همه مسلمانان و همه جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (همو: ج ۲۱، ۳۲۷)

– امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء منتهی شود. (همو: ج ۱۵، ۶۲)

– این ملت الان برای خدا قیام کرده است و به پیش می‌رود تا این که این جمهوری اسلامی متصل بشود به زمان ظهور حضرت سلام الله علیه. (همو: ج ۱۶، ۲۳۰)

– امیدوارم که این جمهوری اسلامی ان شاء الله برسد به مقامی که خودش را برساند به زمان ظهور امام زمان علیه السلام. (همو: ج ۱۶، ۱۷۴)

گزاره ۳. هدف و افق انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امام زمان علیه السلام (نظریه

امانت و بین الملل گرایی اسلامی)

استراتژی معمار کبیر انقلاب اسلامی، آینده‌نگری و به تعبیر صحیح‌تر، ساختن و بنای آینده است و این موضوع، از اساسی‌ترین موضوعات اسلام ناب به شمار می‌آید. نگاه غایت‌گرایانه حضرت امام علیه السلام به انقلاب اسلامی، بیان‌گر این نکته است که این انقلاب تنها زمانی می‌تواند به غایت نهایی خویش، یعنی تشکیل حکومت اسلامی به امامت حضرت ولی عصر علیه السلام دست یابد که پیوسته در راستای زمینه‌سازی استقرار این حکومت در عالم تلاش کند.

مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوع در اسلام ناب، ارائه دوربرد این موضوع یا به تعبیر دیگر، ارائه «هدف» در اسلام ناب است. امام راحل علیه السلام که خود، مروج اسلام ناب و مشتاق زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام است، همیشه افق اسلام ناب را در زمینه‌سازی حکومت بزرگ اسلامی و اتصال به ظهور می‌دانستند و طرح این امر مهم را وظیفه حوزه‌های علمیه، دانشگاه و نهاد مقدس بسیج برمی‌شمردند. تکرار این دغدغه در سخنان حضرت امام علیه السلام در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب به مناسبت‌های مختلف، از اهمیت این مقوله و رویکرد ثابت ایشان به این موضوع حکایت دارد:

– حوزه علمیه و دانشگاه باید چارچوب‌های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام، در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است. (همو: ج ۲۱، ۱۹۵)

– ان شاء الله مردم سلحشور ایران، کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه‌ها نگه داشته و شعله‌های سوزان را علیه شوروی جنایت‌کار و آمریکای جهان‌خوار و اذتاب آنان به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ، پرچم اسلام ناب محمدی علیه السلام بر بام همه عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان وارثان زمین گردند. (همو: ۱۵۵)

– انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور، ان شاء الله تهیه شود. (همو: ج ۸، ۳۸۴)

– ما مصمم هستیم که روزی رُخش (امام زمان) ببینیم و این جان که از اوست، تسلیم وی کنیم. (همو: ج ۱۵، ۲)

– ما باید در این طور روزها و این طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. (همو: ج ۱۲، ۴۸۲)

– امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون نمود و زره جهاد و مقاومت پوشید و در افق طلوع فجر تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن خون شهیدان بود. (همو: ج ۲۱، ۱۲)

– باید بسیجیان جهان اسلام به فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است؛ چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد... شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است. انقلاب اسلامی در جهان، نیازمند فداکاری شماست. مسئولین تنها با پشتوانه شماست که می‌توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت اثبات کنند که بدون امریکا و شوروی می‌شود به زندگی مسالمت‌آمیز با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه‌ها موجب می‌شود که ریشه ضدانقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد. (همو: ۱۹۵)

۲. الزامات عملی نظریه «امانت»

از نظر حضرت امام علیه السلام، مسیر حرکت و تلاش مردم و تمام مسئولان باید در جهت تحقق امر ظهور و تحویل امانت به صاحب اصلی آن باشد. برخی الزاماتی را که در اندیشه ایشان در این زمینه مطرح شده است، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

الف) زمینه‌سازی ظهور (نظریه امانت و غایت سیاسی)

حضرت امام خمینی علیه السلام در یکی از سخنرانی‌های خویش به پنج دسته از برداشت‌های نادرست و انحرافی^۱ از انتظار امام عصر علیه السلام اشاره می‌کند و بیان می‌دارند که وظیفه ما زمینه‌سازی ظهور است و عده‌ای هرچند خیراندیش به دلیل درک نادرست مقوله انتظار، به خطا رفته‌اند. بیان امام علیه السلام از انتظار سازنده و صحیح و نگاه ایشان به زمینه‌سازی ظهور به عنوان وظیفه همه مسلمانان، نشان‌گر نگاه او به انقلاب اسلامی به عنوان بستر مناسب برای زمینه‌سازی ظهور است.^۲ ایشان در همین زمینه فرموده است:

۱. نک: خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ۱۳ - ۱۸. به طور خلاصه، گروه نخست، کسانی‌اند که خود را سرگرم دعای فرج کرده‌اند و اندیشه اقدامی را در سر نمی‌پرورانند. آنان به تکالیف شرعی خود پای‌بندند، هرچند که حوزه این تکالیف از زندگی شخصی‌شان فراتر نمی‌رود. گروه دوم، بی‌اعتنایی به جامعه و جهان را پیشه خود قرار داده‌اند. آنها جز توسل و دعا، تکلیفی برای خود نمی‌شناسند و اصلاح امور را به حضرت مهدی علیه السلام واگذار کرده‌اند. گروه سوم بر این باورند که نباید امر به معروف و نهی از منکر کرد و باید دنیا از گناه آکنده شود تا آن حضرت زودتر ظهور کند. گروه چهارم می‌گویند که باید بستر گناه را هموار ساخت تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت تشریف بیاورد. گروه پنجم مدعی‌اند که تشکیل حکومت در عصر غیبت مهدی موعود علیه السلام باطل و بر خلاف اسلام است.

۲. ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست، این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید. البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم [پر] بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود. (همو: ج ۸، ۳۷۴)

امام خمینی علیه السلام، همیشه بر زمینه‌سازی برای ظهور به عنوان وظیفه‌ای همگانی تأکید داشته و به صورت خاص از مسئولان خواسته‌اند به این موضوع توجه ویژه داشته باشند:

یکم. در دیدار با ائمه جمعه:

سعی کنید مطالعه کنید که در خطبه‌هایتان چه می‌خواهید بگویید. امیدوارم اسلام به دست شما منتشر شود تا مقدمه‌ای شود برای ظهور مهدی علیه السلام. (همو: ج ۱۶، ۲۶۱)

دوم. تذکر به مسئولان:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر ما قرار دهد. (همو: ج ۲۱، ۳۲۷)

سوم. دستگاه‌های کشور:

تمام دستگاه‌هایی که الان به کار گرفته شده‌اند در کشور ما - و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا کند - باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی علیه السلام. (همو: ج ۱۲، ۳۸۴)

ب) صدور انقلاب (نظریه امانت و دعوت سیاسی)

با بررسی اندیشه حضرت امام علیه السلام می‌توان به این نکته دست یافت که ایشان، انقلاب اسلامی را در مرز یک کشور یا مردم خاص، نمی‌دانستند و آن را به عنوان یک نگاه جهانی مطرح می‌کردند. تأکید ایشان بر این نکته که انقلاب اسلامی، به ایران و حتی کشورهای اسلامی، محدود نیست، نشان از این دارد که تحقق حاکمیت جهانی اسلام به رهبری امام زمان علیه السلام مستلزم آماده‌سازی جهانی است و همه مستضعفان جهان باید در این راستا گام بردارند. ایشان در این مورد فرموده است:

- امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی شود به ظهور امام عصر علیه السلام و امیدوارم که این انقلاب ما - به همه دنیا و برای همه مستضعفین - برای نجات همه مستضعفین به همه دنیا صادر شود. (همو: ج ۱۳، ۱۱۹)

چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است]، تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی‌توانیم بکنیم. چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند، اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم. کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه - در هر صورت، این مصیبت‌هایی که هست که به مسلمان‌ها وارد شده است و سیاست‌های خارجی دامن بهش زده‌اند، برای چاپیدن این‌ها و برای از بین بردن عزت مسلمین [است]. و باورش‌ها هم آمده است خیلی‌ها. شاید الآن هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد. زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت. و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب، باطل است؛ یعنی، هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش کند! ما درستش می‌کنیم تا حضرت بیاید. (خمینی، ج ۲۱، ۱۳ - ۱۸)

- ما با خواست خدا، دست تجاوز ستم همه ستم کاران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت، صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم. (همو: ج ۲۰، ۳۵۴)

- ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل عربستان است، لکن دعوتش مال عربستان نبوده. محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال همه عالم است. (همو: ج ۱۰، ۴۴۶)

- نهضت مقدس ایران، نهضت اسلامی است و از این جهت، بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. (همو: ج ۵، ۳۰۵)

- من امیدوارم که همان‌طور که گفتید، پرچم جمهوری اسلامی را بر مملکت‌های دیگر هم [به] اهتزاز در آورید. امیدوارم که همه مستضعفین زیر پرچم اسلام به مستکبرین غلبه کنند. (همو: ج ۱۲، ۱۰۳)

امام علیه السلام در پایان مقدمه وصیت‌نامه خویش نیز درباره مخاطبان وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش نوشته‌اند:

و آن چه لازم است تذکر دهم، آن است که وصیت سیاسی - الهی این‌جانب، اختصاص به ملت عظیم‌النشان ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومین جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد. (همو: ج ۲۱، ۴۰۰)

ج) استقلال و اقتدار ایمانی (نظریه امانت و قدرت ملی)

حفظ استقلال و خوداتکایی در پرتوی اندیشه دینی و تلاش همگانی یکی از نکته‌های مورد تأکید امام خمینی علیه السلام بود. ایشان، یکی از عوامل قیام مردم علیه حکومت پهلوی را وابستگی این حکومت به بیگانگان می‌دانستند و می‌فرمودند:

- و این کشوری که کشور ائمه هدی علیهم السلام و کشور صاحب الزمان علیه السلام است، کشوری است تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد. (همو: ج ۱۴، ۳۰۹)

- آن‌ها استقلال می‌خواهند، آزادی می‌خواهند، جمهوری اسلامی می‌خواهند؛ جمهوری‌ای که باید اساسش بر احکام اسلامی باشد. جمهوری اسلامی باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام بپذیرد. اگر یک خدشه در احکام اسلام واقع بشود، نه پیغمبر می‌پذیرد و نه امامان ما. (همو: ج ۱۶، ۲۷۹)

د) کسب رضایت امام زمان علیه السلام (نظریه امانت و تکلیف سیاسی)

در اندیشه امام خمینی علیه السلام، همه مردم و مسئولان وظیفه دارند برای کسب رضایت امام عصر علیه السلام؛ صاحب اصلی حکومت اسلامی بکوشند. تأکید مکرر ایشان در این زمینه برای تمامی

اقتدار جامعه به ویژه در سطح مسئولان که کارگزاران حکومت اسلامی به شمار می‌روند، نشان‌دهنده اهمیت خاص این مورد است. البته ایشان در سخنانشان برای عموم مردم نیز به مقوله انتظار سازنده، تلاش در راستای حاکمیت جهانی اسلام و مواردی از این دست اشاره کرده‌اند که در همین راستا قرار دارد. برای نمونه، ایشان در سخنان می‌فرمایند:

همه آقایان بنا را بر این بگذارند که کارهایشان را روی وظیفه‌شان عمل نکنند. خودشان را ببینند در یک جمهوری اسلامی، ببینند در این مملکتی هستند که در رأس این مملکت، امام زمان علیه السلام مراقبان است، مأمورهای مخفی دارد، خودش را تحت مراقبت ببیند، بگوید که ملائکه الله مأمورند. ما یک مملکتی الان هستیم که یک مراقبی داریم معصوم. (همو: ج ۹، ۱۷)

بازتاب نظریه امانت در برخی ابعاد حکمرانی نظام

تا این بخش از نوشتار ضمن معرفی نظریه امانت به عنوان مبنای نظری چشم‌انداز مورد نظر امام خمینی علیه السلام از آینده انقلاب اسلامی، به تبیین گزاره‌های راهبردی و الزامات عملی این نظریه در اندیشه آن بزرگوار پرداخته شد. این نظریه را می‌توان در ابعاد مختلف حکومتی نظام جمهوری اسلامی در برهه‌های زمانی متعدد به کار گرفت. در این بخش از نوشتار، به شرح بازتاب این نظریه و تأثیر آن در چشم‌انداز انقلاب اسلامی ایران در ابعاد سیاسی، اجتماعی، مدیریتی و سازمانی می‌پردازیم.

۱. بعد اجتماعی - سیاسی

با عنایت به مطالب بیان شده در این نوشتار، فلسفه وجودی «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» را اکنون بهتر می‌توان درک و بیان کرد. از این منظر، «سند چشم‌انداز» چون به افق زمانی ۱۴۰۴ محدود است، دارای ارزش تاکتیکی ارزیابی شده است و می‌توان آن را مرحله‌ای از مراحل مختلف تحقق چشم‌انداز کلان جمهوری اسلامی ایران - آن گونه که در این مقاله آمده است - قلمداد کرد. از نظر محتوایی، این سند حاوی گزاره‌های بنیادینی است که فراتر از افق زمانی و ملاحظات مکانی ارزیابی شده است و آن‌ها را از مصادیق و مؤلفه‌های چشم‌انداز مطرح شده در این نوشتار می‌توان دانست. برای مثال، به مواردی از این قبیل می‌توان اشاره کرد که در متن سند چشم‌انداز به آن‌ها اشاره شده است:

- محوریت هویت اسلامی و انقلابی؛

- الهام‌بخشی گسترده در جهان اسلام؛

- ابتنا بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی؛

- نقش محوری عدالت اجتماعی، رعایت حقوق انسانی و تضمین کرامت انسانی در مقام

سیاست‌گذاری، اداره جامعه و تعامل بین‌المللی؛

- برخورداری از سرمایه اجتماعی بالا و تلاش در راستای توسعه و تقویت آن. گذشته از ملاحظات اجرایی و قالب‌های سیاست‌گذارانه که به سقف زمانی ۱۴۰۴ معطوف است و در نهایت، به تولید هدف «قدرت اول منطقه‌ای» منجر شده است؛ دیگر گزاره‌ها ارزش راهبردی دادند و بعد هنجاری چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران را پوشش می‌دهند. بر این اساس، قدرت سیاسی به مثابه ابزاری جهت تحقق آرمان‌هایی متعالی ارزیابی می‌شود و در غیر این صورت، ارزش خود را از دست می‌دهد.

۲. بعد مدیریتی: حرکت به سوی مدیریت صالحان

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، ایده اصلی «نظریه امانت»، در این نظریه ریشه دارد که تحقق انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، مقدمه‌ای بیش نبوده است و جهت‌گیری همه اقدامات و انگیزه‌ها باید به سوی آرمان‌نهایی و اصلی باشد که همان برپایی حکومت حقّه امام زمان عج است. البته این مهم نباید صرفاً در «قصد و نیت»، خود را نمایان سازد؛ چون هرچند در این صورت نیز امری مقدس و ستودنی است، ولی کفایت نمی‌کند. بدین منظور، مدیریت جامعه اسلامی جایگاه و وظیفه خطیری دارد؛ چون مدیران نظام اسلامی باید با تعیین سمت و سوی لازم، همه انگیزه‌ها و اقدامات را در عمل به سمت این «آینده آرمانی و مقدس» هم‌سو سازند و راهبری کنند. البته این وظیفه مهم بدون وجود چشم‌اندازی روشن برای خود مدیران، امکان‌پذیر نخواهد بود.

در گام نخست و در بعد مدیریتی، مدیران جامعه اسلامی باید از این چشم‌انداز آگاه باشند و در گام بعد، دیگران را به سمت آن هدایت کنند. بنابراین، اگر بخواهیم روح نظریه امانت را در این راستا به کار گیریم، ابتدا باید آینده آرمانی و مقدس و مراحل بینابینی دستیابی به آن را با تکیه قوی و صحیح بر آیات و روایات تبیین کنیم. سپس از رفتار مدیران این آینده آرمانی، برای مدیران فعلی جمهوری اسلامی الگوبرداری کنیم. بر این اساس و طبق آیات و روایات، این آینده آرمانی موردنظر، سرزمینی بهشتی است که بشر قبل از آن، با فتنه‌ها و دشواری‌هایی جهت غربال شدن و تطهیر و آمادگی برای ورود به آن سرزمین در محضر امام عصر عج، مواجه خواهد شد. (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۹: ۶۷ - ۱۱۱؛ گودرزی و ذوالفقارزاده، ۱۳۸۷: ۵۱ - ۵۵) در این فضا، مدیران جامعه بشری در آینده، «صالحین» برگزیده از جانب پروردگار عالم خواهند بود (انبیاء: ۱۰۵) که این فضای بحرانی، فتنه‌آلود و عذاب‌گونه را راهبری و بر اساس برنامه الهی، جامعه بشری را به سمت اصلاح و عبور سالم از آن تا رسیدن به آن فضای بهشت‌گونه تحت ولایت امام عصر عج مدیریت و هدایت می‌کنند.^۱ (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۹: ۲۱۳ - ۲۲۲)

۱. «لتملأن الأرض ظلماً و جوراً حتی لا یقول أحد: "الله" إلا مستخفياً ثم یأتی الله بقوم صالحین یملاؤنها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ۱۱۷، ح ۱۷؛ به نقل از: امالی شیخ طوسی)

بنابراین، الگو و به معنای حقیقی کلمه، «چشم‌انداز» مدیران ما باید رفتار و عمل «صالحانه» و حرکت به سوی «مدیریت صالحین» باشد. البته باید توجه داشت که طبق آیات قرآن، «الحاق به صالحین» که آرزوی نخبگان بشر یعنی رسولان الهی ﷺ بوده، توفیق و موهبتی کاملاً الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۴۲۴) و هیچ چیز آن به دست خود ما نیست. (همو: ج ۱۵، ۵۴۸) با این حال، فرد باید مقدمات و زمینه لازم را برای این موهبت الهی فراهم کند تا به بهانه عزم و تلاش وی، (نجم: ۳۹)^۱ مشمول رحمت الهی گردد و در شماره بندگان صالح خدا وارد شود. به همین دلیل، یکی از پیام‌های بسیار مهم و آموزنده این نوشتار برای مدیرانی که دغدغه مدیریت اسلامی دارند، این است که تمامی اعمال ایشان باید «مصادق عمل صالح» باشد؛ عمل صالحی که مبتنی بر ایمانیات دقیق و تصویری صحیح از آینده بوده و با دگرگونی خود و جامعه به سمت آینده بسیار زیبای الهی همراه باشد؛ آینده الهی که به زمینه‌سازی و برپایی ظهور امام زمان ﷺ معطوف است. پرداختن به صفات و ویژگی‌های صالحین به عنوان الگوی برآمده از نظریه امانت امام خمینی ﷺ که مدیران جامعه اسلامی باید به آن اقتدا کنند، از حوصله این نوشتار خارج است.^۲

به‌طور خلاصه، صالحین، افرادی هستند که صلاحیت اداره‌کنندگی عالم را از جانب خداوند دارا هستند و از این نظر، باید دو ویژگی عمده داشته باشند: نخست، شناخت و ایمانی عالمانه به برنامه‌های الهی (ایمان) و هماهنگی خود با آن‌ها (تسلیم بودن: «یوسف: ۱۰۱») و دیگری، توانایی پیشبرد برنامه‌های الهی در عالم که به ابزار و قوای خاصه الهی با عنوان «حکم» (کلام نافذ و مصاب «طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۸۳؛ ج ۱۵، ۳۸۵») نیاز دارد. (شعراء: ۸۳)^۳ در آینده آرمانی و مقدس، قطعاً صالحین، مدیران آینده جامعه بشری از جانب خداوند خواهند بود. (انبیاء: ۱۰۵)^۴ (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۹: ۲۳۹)

در جدول ۲، خلاصه صفات صالحین به عنوان الگو و چشم‌انداز مدیران جامعه اسلامی در آیات و روایات آمده است.

۱. «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و این که برای انسان بهره‌ای جز کوشش او نیست.
 ۲. برای آگاهی بیش‌تر نک: درآمده بر مدیریت صالحین: رویکردی آینده‌نگر؛ مقاله «تصویرپردازی از مدیران آینده: به سوی الگوی قرآنی».
 ۳. «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ آخِزْنِي بِالصَّالِحِينَ»؛ پروردگار! به من حکم عطا کن، و مرا به صالحان ملحق فرما.
 ۴. «أَنْ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

شرایط الحاق به صالحین	شرط اول: (عنکبوت: ۹)	ایمان (به سعی و عزم انسان مربوط است).	بایسته اعتقادی	
	شرط دوم: (یوسف: ۱۰۱)	عمل صالح (به سعی و عزم انسان مربوط است).	بایسته کنشی (عملی)	
	شرط سوم: (شعراء: ۸۳)	حکم (کلام نافذ)، قوای خاصه خوبان جهت پیشبرد برنامه‌های الهی در عالم؛ (موهبتی الهی است).	بایسته ابزاری	
ارزش‌های صالحین	اصلاح درون	ایمان به الله و یوم‌الآخر، تلاوت آیات الهی در اوقات شب، سجده به درگاه الهی (آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴)، سرعت در خیرات، خواندن پروردگار و توجه به او در همه حال هم از روی رغبت و هم از روی رهبیت (خوف)، خشوع (تأثر قلبی) در برابر پروردگار (انعام: ۸۵؛ انبیاء: ۹۰). - صفات محسنین (بخشی از صفات صالحین): تقوا (یوسف: ۹۰؛ زمر: ۳۳ و ۳۴؛ ذاریات: ۱۵ و ۱۶)، مودت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> (شورا: ۲۳)، جهاد با نفس (عنکبوت: ۶۹)، استقامت در راه خدا (احقاف: ۱۲ و ۱۳)، اقامه نماز و یقین به آخرت (لقمان: ۴).	اصلاح برون	امر به معروف و نهی از منکر، سرعت در خیرات (جمعی) (آل عمران: ۱۱۴)، انفاق در همه حال (آل عمران: ۱۳۴) و صدقه (مناقون: ۱۰؛ توبه: ۷۵)، صبر (یوسف: ۹۰، هود: ۱۱۵)، ایجاد فضای صفا و صمیمیت در کار و سخت‌گیری نکردن بر کارکنان و اجیران (قصص: ۲۷)، کظم غیظ و گذشت از مردم (آل عمران: ۱۳۴)، اقامه نماز و ایتنای زکات (لقمان: ۴)، جهاد در راه خدا (عنکبوت: ۶۹).
	منطق و تفکر صالحین	- ساختن و آباد کردن آخرت (با تمام مصادیق آن از جمله ظهور) در دنیا. - اکتفا نکردن به وضع موجود و پیوسته به دنبال اصلاح بودن در تمام زمینه‌ها. - ما برای امام <small>علیه‌السلام</small> ، نه امام <small>علیه‌السلام</small> برای ما!	نشانه‌های صالح	- تصفیه و پاک‌سازی قلب - اصلاح همه امور - اصلاح کسب و کار - اصلاح اعمال

جدول ۲: ویژگی‌های صالحین در آیات و روایات:
چشم‌انداز مدیران جامعه اسلامی (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۹: ۲۰۶)

۳. بعد سازمانی: سازمان به مثابه امانت

زمانی که نگاه به سازمان و اداره امور، نگاه امانت‌گونه باشد، هرکس اجازه قبول مسئولیت را به خویش نمی‌دهد و شایسته‌سالاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان عدالت سازمانی حاکم می‌شود. کسی که در نظام امانت‌محور مسئولیت قبول می‌کند، باید از بعد شناختی که به دانش و تخصص مربوط است و از بعد گرایشی که به شیوه نگرش و مباحثی همچون تعهدمحوری،

خیرخواهی و نفی فریب‌کاری مربوط است، فردی اصلاح برای آن جایگاه باشد. از سوی دیگر، این دانش و گرایش را در رفتار خویش بروز دهد و عدالت را در تمامی ابعاد آن رعایت کند. برترین امانت چیست؟ امانتی که امینان آن باید برترین امانا باشند. در پاسخ می‌توان گفت با مراجعه به روایات به این نکته پی می‌بریم که این امانت همان مسئولیت‌های اجتماعی هستند. مسئولیت‌هایی که در آن‌ها از یک طرف، شخص نسبت به افراد جامعه مسئولیت دارد و از سوی دیگر، نسبت به رهبران و مدیران کلان جامعه متعهد است.

چرا مسئولیت‌های اجتماعی، برترین امانت هستند؟ اولین نکته، تعهدی است که یک مسئول در قبال مردم و رهبران جامعه دارد و توجیه دیگری که در این مورد می‌توان ارائه کرد، عبارت است از این که مسئولیت‌های اجتماعی معمولاً مجموعه‌ای از امانت‌ها را در خود دارند. برای مثال، امانت‌هایی که در دست یک مدیر هستند، عبارتند از: مسئولیت وی، اموال مردم، آبروی کارکنان، اسرار مختلفی که در جلسات اداری مطرح می‌شوند و... (جوانعلی‌آذر، ۱۳۸۹: ۲۳۱ - ۲۳۲)

نگاه امانت‌گونه به مسئولیت اجتماعی اعم از مسئولیت‌های اداری - سازمانی، مسئولیت‌های فرهنگی - اجتماعی و... موجب می‌شود فرد، صاحب امانت را در نظر بگیرد و بدان کسی که باید امانتی را به صاحب آن بازگرداند، در شیوه انجام دادن امور، حدود برداشت‌های شخصی و اجتماعی و دیگر ابعاد حدّ احتیاط را رعایت کند و زمینه فساد اداری، اجتماعی و سازمانی را به حداقل رساند. در سخنان حضرت امام خمینی علیه السلام، شاهد تأکید مکرر ایشان مبنی بر سوءاستفاده نکردن رده‌های مختلف مسئولان لشکری و کشوری از قدرت هستیم که با مراجعه به توصیه‌های ایشان به کارگزاران حکومتی، ابعاد مختلف سخنان ایشان را در این زمینه می‌توان مشاهده کرد.

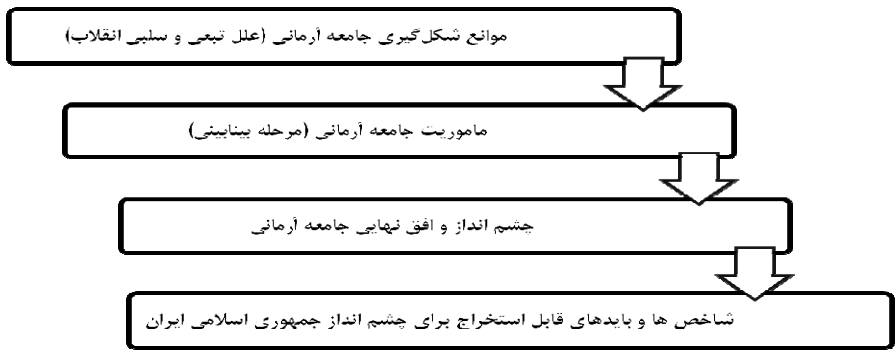
نتیجه

در این مقاله، ابتدا دیدگاه‌ها و تحلیل‌های گوناگون بیان شده در باب انگیزه‌ها، اهداف و چشم‌انداز بررسی شد. آن‌گاه با دسته‌بندی آن‌ها بر محوریت دیدگاه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام، به نقد کلی آن‌ها پرداختیم و بیان کردیم که در بسیاری از موارد، انگیزه‌هایی که پژوهشگران داخلی و خارجی به عنوان چشم‌انداز انقلاب اسلامی معرفی کرده‌اند، یا علل تبعی بوده‌اند یا به عنوان مأموریت و اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی شناخته می‌شوند و نمی‌توان از آن‌ها به عنوان چشم‌انداز یا افق انقلاب اسلامی تعبیر کرد.

نگاه حضرت امام علیه السلام به انقلاب اسلامی به عنوان امانت الهی که وظیفه همگان، حرکت در جهت تحویل این امانت به صاحب اصلی آن - امام عصر علیه السلام - است، یکی از نکات اساسی است که باید به آن توجه کرد. همان‌طور که گذشت، سخنان امام خمینی علیه السلام درباره آینده انقلاب

اسلامی، به‌طور شفاف، صریح و روشن از یک «باید» حکایت دارد و آن این است که آینده این انقلاب باید به ظهور امام زمان علیه السلام منتهی شود. از این‌رو، هر هدف و چشم‌انداز بلندی که برای انقلاب اسلامی ایران ترسیم می‌شود، باید به همین صراحت از این هدف والا سخن گوید. در غیر این‌صورت، نمی‌توان برای آن سند، روح و جان در نظر گرفت؛ چون طبق سخنان دقیق، روشن و صریح ایشان، روح اصلی این انقلاب در زمینه‌سازی برای برپایی ظهور و حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام ریشه دارد.

در جدول شماره ۳، خلاصه و جمع‌بندی برخی از این نظرها ارائه می‌شود. در این جدول، از یک سو، به برخی موانع شکل‌گیری انقلاب اسلامی اشاره شده است که در رژیم طاغوت ریشه دارند و به نوعی، علل تبعی و نه اصلی انقلاب به شمار می‌روند و از سوی دیگر، به مرحله گذار که پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت اسلام و احکام آن در جامعه است، پرداخته شده است. این مرحله گذار، در حکم مأموریت و رسالت انقلاب به شمار خواهد رفت و آنچه در حکم چشم‌انداز و نقطه آرمانی انقلاب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام است، همان اتصال حکومت به حکومت جهانی حضرت امام عصر علیه السلام و فراهم کردن تمام زمینه‌ها در آن راستاست. همچنین با یک نگاه کاربردی، شاخص‌هایی که از مجموع سخنان امام علیه السلام در بحث چشم‌انداز انقلاب اسلامی می‌توان استخراج کرد، در این جدول احصا شده است. نکته مهم‌تر این است که از این شاخص‌ها در ارزیابی چشم‌انداز فعلی جمهوری اسلامی می‌توان بهره گرفت. (نگاره ۱) در ستون آخر جدول نیز با توجه به محدودیت‌های حجمی و گزیده‌گویی، تنها به ذکر چند فراز از سخنان امام خمینی علیه السلام به عنوان شاهد بحث، اکتفا شده است.



نگاره ۱: مراحل استخراج شاخص برای چشم‌انداز جمهوری اسلامی با توجه به سخنان حضرت امام خمینی علیه السلام
 جدول ۳: برخی علل تبعی، مأموریت و چشم‌انداز انقلاب اسلامی با استناد به اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام

۳.۳	موانع شکل‌گیری جامعه آرمانی (علل تبعی و سلبی انقلاب)	مأموریت جامعه آرمانی (مرحله بینابینی)	چشم‌انداز و افق نهایی جامعه آرمانی	شاخص‌ها و بایدهای قابل استخراج برای چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران	در استناد، برای اختصار تنها به ذکر چند نمونه اکتفا شده است
۱	از بین بردن حکومت طاغوت	- ولایت فقیه - جهاد در صراط‌المستقیم انسانیت	حاکمیت (ولایت) الله	باید برای برای از بین بردن ولایت طاغوت در عالم و بر مسیر صراط‌المستقیم قرار گرفتن تلاش و جهاد نمود.	مبارزات کشور ما عقیدتی است و جهاد در راه عقیده، شکست‌ناپذیر است. جهاد در راه عقیده است که سرتاسر کشور را در یک راه تجهیز می‌کند و تمام سختی‌ها و مشکلات را از سر راه برمی‌دارد. پیروز است ملتی که راه خود را که صراط‌المستقیم انسانیت است، یافته و در راه آن به جهاد مقدس برخاسته است. مسلماً پیروز خواهید بود. هان ای شهیدان، در جوار حق تعالی، آسوده خاطر باشید که ملت شما پیروزی شما را از دست نخواهد داد. و ای بازماندگان شهدای به خون خفته، و ای معلولان عزیز، که حیات جاوید را با نثار سلامت خود بیمه کرده‌اید، مطمئن باشید که ملت شما مصمم است پیروزی را تا حکومت الله و تا ظهور بقیة الله - روحی فداه - نگهبان باشد. جاوید باشید و پیروز باشید جمهوری اسلامی. (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۴، ۸۰)
۲	رفع استبداد و سلب آزادی از مردم	امید به دستیابی به بخشی از آزادی حقیقی انسان‌ها در پرتو حاکمیت اسلام تا حد رضایت امام زمان <small>علیه السلام</small>	رضایت امام زمان <small>علیه السلام</small>	باید در تمام سطوح حکومت به‌طور مداوم به دنبال کسب رضایت امام زمان <small>علیه السلام</small> بود.	ان‌ها استقلال می‌خواهند، آزادی می‌خواهند و جمهوری اسلامی می‌خواهند، جمهوری‌ای که باید اساسش بر احکام اسلامی باشد و خدا <small>تعالی</small> و امام زمان <small>علیه السلام</small> بپذیرد، اگر یک خدشه در احکام اسلامی واقع شود، نه پیغمبر می‌پذیرد و نه امامان ما. (همو: ج ۲۱، ۱۶)

<p>همهٔ آقایان بنا را بر این بگذارند که کارهایشان را روی وظیفه‌شان عمل نکنند. خودشان را ببینند در یک جمهوری اسلامی. ببینند در این مملکتی هستند که در رأس این مملکت، امام زمان <small>علیه السلام</small> مراقبشان است؛ مأمورهای مخفی دارد، با ملائکهٔ الله مأمورند. ما یک مملکتی الان هستیم که یک مراقبی داریم معصوم. (همو: ج ۹، ۱۷)</p>				
<p>امیدوارم این کشوری که کشور ائمه هدی <small>علیهم السلام</small> و کشور صاحب‌الزمان <small>علیه السلام</small> است، کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان‌شاءالله، به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که به مستضعفان می‌گذرد، جلوگیری کند. (همو: ج ۱۳، ۱۱۹)</p>	<p>قدرت و استقلال کشور باید در خدمت امام زمان <small>علیه السلام</small> قرار گیرد.</p>	<p>قدرت الهی امام زمان <small>علیه السلام</small> (که منجر به برقرای عدالت همه‌جانبه انسانی در عالم می‌شود).</p>	<p>دست‌یابی به استقلال و اقتدار در پرتو قدرت امام زمان <small>علیه السلام</small>: استقلال و قدرت باید در خدمت امام زمان <small>علیه السلام</small> قرار گیرد</p>	<p>۳ رفع وابستگی به استعمار و شیطان بزرگ</p>
<p>مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطهٔ شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا له الفداه - است که خداوند پر همهٔ مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی، تمامی سعی و توان خود را در ادارهٔ هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنی نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند. (همو: ج ۲۱، ۱۰۸ و ۱۰۹)</p>	<p>- وظیفه اصلی مسئولان کشور، ایجاد حکومت جهانی اسلام است. - حل مسائل اقتصادی بدون توجه به این چشم‌انداز والا، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین است!</p>	<p>عدالت همه‌جانبه در تمام مراتب انسانیت، نه فقط عدالت رفاهی و اقتصادی</p>	<p>حل مشکلات اقتصادی و رفاهی و ادارهٔ هر چه بهتر جامعه</p>	<p>۴ رفع مشکلات اقتصادی و رفاهی</p>

۵	رفع بی‌عدالتی	امید به تحقق گوشه‌ای از عدالت همه‌جانبه مهدوی <small>علیه‌السلام</small> در جامعه	عدالت همه‌جانبه در تمام مراتب انسانیت	باید به دنبال عدالت در تمام ابعاد انسانی بود.	حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small> موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد، بلکه عدالت در تمام مراتب انسان است. (همو: ج ۱۲، ۴۸۰)
---	------------------	--	---	---	--

منابع

۱. اخوان مفرد، حمیدرضا، *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران، نشر پژوهشکده امام خمینی علیه‌السلام و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۲. افتخاری، اصغر، «آرمان‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام»، انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل»، *بولتن علمی - تحقیقاتی معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی*، ۱۳۷۳ ش.
۳. اغصان، علی رحیق و مارک گلی، *دانش‌نامه در علم سیاست*، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۸۴ ش.
۴. ایمان‌پور، عباس و زیبا اکبری، *انقلاب اسلامی ایران؛ چالشی بر نظریه‌های انقلاب*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۵. بادامچیان، اسدالله، *شناخت انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران، نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ۱۳۶۹ ش.
۶. باهنر، محمدجواد، *فرهنگ انقلاب اسلامی*، تهران، دفتر تدوین و نشر آثار شهید باهنر، ۱۳۷۱ ش.
۷. جمعی از نویسندگان، *انقلاب اسلامی ایران*، قم، انتشارات معارف، ۱۳۸۶ ش.
۸. جمعی از نویسندگان، *راه انقلاب* (۲جلد)، مقالات پژوهشی درباره انقلاب اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۹. جوانعلی‌آذر، مرتضی، *تبیین نگاه اسلام به سازمان در پرتو استعاره امانت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تابستان ۱۳۸۹، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. حاجی‌زاده، سیروس، «آسیب‌شناسی اجمالی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام»، نشریه ۱۵ *خرداد*، ش ۲، ۱۳۸۳ ش.
۱۱. حشمت‌زاده، محمدباقر، *چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران*، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲ ش.

۱۲. خمینی، سیدروح الله، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام و مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۰ش.
۱۳. _____، در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر دهم انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات سپهر، ۱۳۶۲ش.
۱۴. _____، آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام و مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۵ش.
۱۵. _____، صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام (چاپ و نشر عروج)، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ش.
۱۶. دارینی، محمود، تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، دفتر ۳۶ تبیان، تهران، نشر عروج، ۱۳۸۶ش.
۱۷. دژاکام، رضا، «نظریه‌های عمده درباره انقلاب»، تهران، مجموعه مقالات تبیین اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱ش.
۱۸. دزهاوت، رابرت، تئوری‌های سازمان دولتی، مترجمان: حسن دانایی‌فرد و سید مهدی الوانی، تهران، انتشارات صفار، ۱۳۸۸ش.
۱۹. دهشیری، محمدرضا، «بررسی تطبیقی نظریات امام خمینی علیه السلام و اندیشه‌گران غربی پیرامون انقلاب اسلامی»، فصل‌نامه پژوهش، سال سوم، شماره‌های ۱۰ و ۱۱، ۱۳۸۳ش.
۲۰. ذوالفقارزاده، محمدمهدی، مدیریت صالحین: رویکردی آینده‌نگر، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹ش.
۲۱. رضایی، محسن و علی مبینی، ایران آینده در افق چشم‌انداز، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۲۲. رضاییان، علی، میانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳ش.
۲۳. شجاعیان، محمد، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۲۴. شریعتی، علی، مجموعه آثار (ج ۲۰)، تهران، دفتر تنظیم آثار دکتر شریعتی، ۱۳۶۰ش.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیرالمیزان (دوره بیست جلدی)، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۲۶. امید زنجانی، عباس‌علی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی، ۱۳۸۱ش.

۲۷. فوزی، یحیی، *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (ج ۱)*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴ ش.
۲۸. کللی، قیصر، *فرهنگ فلسفی و فرهنگ سیاسی*، تهران، نشر پایان، ۱۳۸۸ ش.
۲۹. کوهن، آلون استانفورد، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه: علی‌رضا طیب، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۵ ش.
۳۰. گودرزی، غلام‌رضا، *تصمیم‌گیری استراتژیک: مطالعه موردی رویکرد موعودگرایی شیعه*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۳۱. گودرزی، غلام‌رضا؛ ذوالفقارزاده، محمدمهدی، «تصویرپردازی از مدیران آینده: به سوی الگوی قرآنی»، *نشریه اندیشه مدیریت*، ش ۳، تهران، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۳۴. مطهری، مرتضی، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. مظلومی، نادر؛ محمدی‌نسب، مهدی، «اجرای چشم‌انداز بیست ساله (ایران ۱۴۰۴) و موانع پیش‌رو»، (ج ۱) *مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴*، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۳۶. ملکوتیان، مصطفی، *بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی‌ها*، تهران، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳۷. محمدی، منوچهر، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۳۸. هدایتی، ابوالفضل، *مهدویت در منظر امام خمینی علیه السلام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام و انتشارات عروج، ۱۳۸۷ ش.